

Original Article

**The Concepts of Human Rights and Citizenship in the Poems of
Parvin Etesami and Tahereh Saffarzadeh**

Shahriar Shadigoo^{1*}, Mehri Toutouchian², Fariba Parvaneh³

1. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Farhangian University, Tehran, Iran. (Corresponding Author) Email: kamyar137884@gmail.com
2. Assistant Professor, Department of Law and Political Science, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran.
3. Instructor, Department of Social Sciences Education, Farhangian University, Tehran, Iran.

Received: 5 Apr 2020 Accepted: 11 Aug 2020

Abstract

Background and Aim: The concepts of human rights and citizenship in today's world are Sensitive and key concepts which they have been noticed because of the connection with social and political issues. Poets and writers are always concerned with expressing the social issues of their society and the literature of every age reflects the problems of that society. Accordingly, the main purpose of this study is to investigate some indicators of the concepts of human rights and citizenship in the Divan of Parvin Etesami and Tahereh Saffarzadeh.

Materials and Methods: In the present study, library resources and the Divan of Parvin Etesami and Saffarzadeh have been used to collect information by documentary method. The approach of this study is descriptive-analytical, which has been done qualitatively.

Findings: By examining the indicators of human rights and citizenship in Parvin Etesami's works, it was determined she expressed her hatred with irony due to the suffocation in the about freedom, injustice and class distance, lack of attention to the orphanage, criticism of poverty and deprivation, criticism of people's lack of love for each other. Tahereh Saffarzadeh has also directly stated the above components along with patriotism, science and knowledge, social and moral harms. She also believes in "negative peace" about the index of peace in her poems.

Conclusion: Reflections on the wise poems of these two poets shows that what has made these two poets popular is the compatibility of their poems with the social issues of the society. The important point in the works of these two poets is that they have never suffered from everyday life and they have always sought "de-acquaintance" from the social issues of their time. So that with a critical view and with humanitarian sentiments, they have pointed to the characteristics of human rights and citizenship.

Keywords: Human Rights; Citizenship; Parvin Etesami; Tahereh Saffarzadeh

Please cite this article as: Shadigoo SH, Toutouchian M, Parvaneh F. The Concepts of Human Rights and Citizenship in the Poems of Parvin Etesami and Tahereh Saffarzadeh. *Iran J Med Law, Special Issue on Human Rights and Citizenship Rights 2020; 345-364.*

مفاهیم حقوق بشر و شهروندی در اشعار پروین اعتصامی و طاهره صفارزاده

شهریار شادی‌گو*، مه‌ری توتونچیان^۲، فریبا پروانه^۳

۱. استادیار گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول) Email: kamyar137884@gmail.com

۲. استادیار گروه حقوق و علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

۳. مربی گروه آموزش علوم اجتماعی دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

دریافت: ۱۳۹۹/۱/۱۷ پذیرش: ۱۳۹۹/۵/۲۱

چکیده

زمینه و هدف: مفاهیم حقوق بشر و شهروندی در دنیای معاصر از مفاهیم کلیدی و حساسی هستند که به دلیل ارتباط تنگاتنگ با مسائل اجتماعی و سیاسی، کانون توجه و امان نظر قرار گرفته‌اند. شاعران و ادیبان همیشه دغدغه بیان مسائل اجتماعی جامعه خود را داشته، و ادبیات هر عصری منعکس‌کننده مسائل آن جامعه است. بر این اساس هدف اصلی این پژوهش بررسی برخی از شاخصه‌های مفاهیم حقوق بشر و شهروندی در دیوان پروین اعتصامی و طاهره صفارزاده است.

مواد و روش‌ها: در پژوهش حاضر برای گردآوری اطلاعات به روش اسنادی از منابع کتابخانه‌ای و دیوان پروین اعتصامی و صفارزاده استفاده گردیده است. رویکرد این مطالعه، توصیفی - تحلیلی است و به شیوه کیفی انجام می‌یابد.

یافته‌ها: با بررسی شاخصه‌های حقوق بشر و شهروندی در آثار پروین اعتصامی مشخص گردید که وی در مورد مقوله‌های آزادی، بی‌عدالتی و فاصله طبقاتی، عدم توجه به حال یتیمان، فقر و محرومیت و بی‌مهری مردم نسبت به یکدیگر، نفرت خود را به دلیل خفقان موجود در جامعه با کنایه بیان نموده است. طاهره صفارزاده نیز مؤلفه‌های فوق را همراه با مقوله‌های میهن‌دوستی، علم و دانش، آسیب‌های اجتماعی و اخلاقی، به طور مستقیم بیان داشته است. وی همچنین در خصوص شاخص صلح‌طلبی در اشعار خود به «صلح منفی» اعتقاد دارد.

نتیجه‌گیری: تعمق در سروده‌های حکیمانه این دو شاعر نشان می‌دهد آنچه که موجب محبوبیت این دو شاعر شده، سازگار بودن اشعار آن‌ها با مسائل اجتماعی جامعه است. نکته مهم در آثار این دو شاعر آن است که هیچ‌گاه دچار روزمرگی نشده و همیشه درصدد «آشنایی‌زدایی» از مسائل اجتماعی دوران خود بوده، به طوری که با دیدی منتقدانه و همراه با عواطف بشردوستانه، به شاخصه‌های حقوق بشر و شهروندی اشاره داشته‌اند.

واژگان کلیدی: حقوق بشر؛ شهروندی؛ پروین اعتصامی؛ طاهره صفارزاده

مقدمه

طرح موضوع حقوق بشر بعد از پیدایش انسان، با ازدیاد نسل‌ها و تشکیل اجتماعات بشری همراه با علم و صنعت و مفاهیم جدید، آغاز شد. در ابتدای ظهور انسان، به لحاظ جمعیت اندک و وسعت کره زمین، ضرورت طرح موضوع حقوق بشر، کم‌اهمیت بوده است، اما با افزایش جمعیت و تشکیل جوامع مختلف، مفهوم بشر و حقوق مربوط به او مورد توجه اندیشمندان و حقوقدانان قرار گرفت.

شهروندی در زمره مفاهیمی است که از دل تجدد و فرهنگ انسان اجتماعی برخاسته است. مارشال در تعریف خود از شهروندی آن را پایگاه اعطاشده به کسانی می‌داند که یک اجتماع هستند و تمام کسانی که از این پایگاه برخوردارند، بنا بر حقوق و وظایف مرتبط با این پایگاه با هم برابرند (۱). در سده هفدهم در واکنش به حاکمیت مطلقه پادشاهان، حقوق مدنی یا قانونی شکل گرفت و در چارچوب دادگاه‌های حقوقی، حق قانونی برگزاری دادگاه عادلانه برای تک‌تک افراد نهادینه شد. سپس در سده نوزدهم، انقلاب‌های سیاسی بورژوازی به تشکیل دولت‌های جدیدی منتهی شد که برخلاف دولت‌های قبل، مشروعیت خود را به جای کلیسا و اشرافیت، از مردم یا ملت گرفتند. از آن زمان شهروند به عنوان واحد تشکیل‌دهنده یک ملت پا به عرصه حیات گذاشت. شهروندی دارای بنیان‌های حقوق مدنی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است و مجموعه‌ای از ارزش‌های این بنیان‌ها را دربر می‌گیرد. شهروندی را می‌توان به دو نوع «شهروندی فعال» و «شهروندی منفعل» تقسیم کرد. شهروند فعال به مسائل حقوقی و تکالیف شهروندی خود کاملاً آگاه است و دولت نیز این حقوق را رعایت می‌نماید، اما در کشورهایی که نگاه دولتی از بالا به پایین و آمرانه است، شهروند منفعل زندگی می‌کند.

تاکنون پژوهش‌های زیادی در خصوص مفاهیم حقوق بشر و شهروندی انجام گردیده است، از جمله ساجدی (۱۳۹۵ ش.) در پژوهشی به تشریح حقوق بشر و حقوق شهروندی از دیدگاه اسلامی پرداخته است و جاوید و همکاران (۱۳۹۳ ش.) چالش‌های میان حقوق بشر و حقوق شهروندی را مورد بررسی قرار داده‌اند. حسینی و همکاران (۱۳۹۳ ش.) حقوق شهروندی

در ادبیات فارسی و اسدی و باباجانی (۱۳۹۶ ش.) نیز به بررسی شاخصه‌های حقوق شهروندی در بوستان سعدی پرداخته‌اند، اما تاکنون پژوهشی که به دنبال مصادیق و نمونه‌های این مفاهیم و مقایسه آن‌ها در آثار پروین اعتصامی و طاهره صفارزاده باشد، انجام نشده است که همین بر اهمیت و ضرورت این پژوهش می‌افزاید.

اغلب اشعار اعتصامی، در قالب قصیده، قطعه، مثنوی و مسمط بیان شده است. در این میان، آنچه از نوع حکایت، تمثیل و به خصوص مناظره سروده است، جلوه بارزی دارد و بیشتر تمثیل‌های پروین، مناظره‌گونه می‌باشد. پروین اعتصامی را باید زنده‌کننده مناظره در شعر فارسی دانست. واژگان شعر پروین، گران‌مایه و بزرگ است. دکتر صفارزاده نیز، با طرح مفاهیم حقوق بشر، آزادی و عدالت اجتماعی در اشعار و متون ادبی خدمات ارزنده‌ای به جامعه ادبی و علمی عرضه کرده است. این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال است که مفاهیم حقوق بشر و شهروندی چگونه در اشعار پروین و صفارزاده نمود پیدا کرده است؟

مفاهیم

۱- حقوق بشر

حقوق بشر یعنی آدمی صرفاً از آن جهت که انسان است، فارغ از رنگ پوست، نژاد، دین، منشأ اجتماعی، موقعیت اجتماعی و جنسیت باید از آن حقوق برخوردار باشد. حقوق بشر مجموعه‌ای از ارزش‌ها، مفاهیم، اسناد حقوق بین‌الملل و ساز و کارهایی است که در همه زمان‌ها و مکان‌ها از مقام، منزلت و کرامت انسانی همه افراد و یا گروه‌ها، صرفاً به دلیل این‌که انسان‌اند، در مقابل همه دولت‌ها حمایت می‌کند. می‌توان گفت در یک بررسی در همه ادیان، آیین‌ها و مذاهب، زیباترین نگاه به حقوق اشرف مخلوقات، یعنی انسان، نگاه اسلام است. تعبیر زیبای قرآنی و بیانات نورانی ائمه دین (ع) گویای این واقعیت است که وقتی خداوند می‌فرماید: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (۲)، نشان از آن دارد که نقش مفاهیم دینی در تأیید حقوق بشر و تشویق مردم به رعایت عدالت و حقوق هم‌نوعان، نقشی منحصر به فرد است. «وقتی خداوند

می‌فرماید: «لَقَدْ كَرَّمْنَا» مقصود این نیست که در یک معاشرتی که با انسان داشتیم، او را احترام کردیم و بالادست موجودات دیگر نشانیدیم؛ مقصود این است که این کرامت و شرافت و بزرگواری را در سرشت و آفرینش او قرار دادیم» (۳).

حقوق بشر به عنوان آن حقوقی تعریف می‌شود که به طور ذاتی در طبیعت ما انسان‌ها موجود می‌باشد و بدون آن ما نمی‌توانیم به عنوان موجودی انسانی زندگی کنیم. در واقع حق انسان‌ها در مقابل دولت است و دولت‌ها موظف به تضمین این حقوق برای انسان‌های جوامع خود هستند. به بیانی دیگر، منظور از حقوق بشر مجموعه حقوقی است که از افراد و گروه‌ها در برابر دولت‌ها نسبت به حقوق شناخته‌شده بین‌المللی آن‌ها حمایت می‌کند. بنابراین هدف حقوق بشر حمایت از افراد و گروه‌هایی است که حقوق و آزادی‌های اساسی آن‌ها در اسناد بین‌المللی یا عرف بین‌المللی تضمین شده است (۴). در اسناد بین‌المللی مختلفی که در خصوص حقوق بشر وجود دارند، آموزش حقوق بشر و شهروندی جزئی از حق آموزش تلقی می‌شود (۵). بنابراین حقوق بشر باید تساوی، عدم تبعیض و ارزش‌هایی مثل یکپارچگی، احترام، بردباری، صلح و... را در همه سطوح مورد تأکید قرار دهد و با هدف حمایت از کرامت و شأن انسانی و تضمین حقوق اساسی انسان‌ها وضع گردد. حقوق بشر به عنوان حقوقی بنیادی و غیر قابل سلب شناخته می‌شود که هر کس به صرف انسان بودن از آن بهره‌مند می‌شود و نیز به عنوان یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر مطرح است و همه دولت‌ها و فرهنگ‌ها نیاز و تعهد خود را به آن نشان داده‌اند. فهم و برداشت از مبانی و ماهیت حقوق بشر صرفاً مسأله نظری - فلسفی نیست، بلکه دارای پیامدهای عملی و کاربردی نیز هست، چراکه اگر قواعد و احکام حقوقی را مردم عادلانه، منطقی و مبتنی بر مبانی محکم اخلاقی، ضروری و لازم برای زندگی برشمارند، اجرای آن دست کم با دشواری کم‌تر مواجه خواهد شد. با مسامحه می‌توان گفت، بهترین ضامن اجرا برای احکام حقوقی آن است که اتباع و کسانی که اطاعت از آن‌ها از آن احکام و قوانین خواسته می‌شود آن را عادلانه، اخلاقی، انسانی، ضروری و مبتنی بر ارزش‌های مورد باور خود بدانند. بنابراین به راحتی می‌توان از این مدعا که

حقوق بشر یک ارزش اخلاقی جهان‌شمول است و اختصاص به فرهنگی خاص ندارد، دفاع کرد (۶).

۲- حقوق شهروندی

کلمه «شهروند» از نظر لغوی در فرهنگ‌های عمومی نظیر فرهنگ معین، عمید و... به معنای اهل یک شهر یا یک کشور تعریف شده است و در فرهنگ‌های دوزبانه مثل حییم و آریان‌پور، شهروند به معانی بومی، شهری، اهل شهر، تابع، رعیت، شهرنشینی که از خدمت لشکری و شهرداری آزاد باشد، تعریف گردیده است. در فرهنگ علوم سیاسی، در تعریف شهروند چنین آمده: «کسی که از حقوق مدنی یا امتیازات مندرج در قانون اساسی یک کشور برخوردار است» (۷). از نظر اصطلاحی، مفهوم شهروندی به عنوان منزلتی اجتماعی در نگرش به جامعه مدنی (معمول یا مدرن) تلقی می‌شود که به موجب آن شرایط برخورداری فرد را از حقوق و قدرت فراهم می‌کند. می‌توان گفت: «حقوق شهروندی، حقوقی است فردی، مدنی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی که یک شهروند به واسطه زندگی در قلمرو جغرافیایی خاص و با وجود رابطه میان او و دولت حاکم از آن برخوردار می‌شود» (۸).

شهروندی یکی از شاخص‌های مهم پیشرفت و توسعه‌یافتگی کشورهاست. یکی از ابعاد مهم شهروندی، فرهنگ شهروندی است. اصولاً شهروندی بدون عنایت به مقوله فرهنگ قابل تصور نیست. ایجاد، گسترش و تعمیق فرهنگ و اخلاقیات شهروندی می‌تواند گره‌گشای بسیاری از مسائل شهری و اجتماعی باشد که کشورهای در حال توسعه با آن مواجه هستند. هر شهروند مجموعه‌ای از حقوق و تکالیف را بر عهده دارد. بخشی از تکالیف، تکالیف فردی هستند و به خود فرد ارتباط پیدا می‌کند، مانند حفظ نظافت محیط پیرامون و رعایت قوانین شهری. بخشی دیگر هم به تکالیف اجتماعی افراد ارتباط دارد، یعنی چون یک فرد در یک کشور زندگی می‌کند، نسبت به جامعه پیرامونی خود طبق مسؤولیت‌ها و تکالیفی که بر عهده دارد، باید عمل کند و باید به گونه‌ای باشد که دچار نقص اجتماعی نشود. این مسؤولیت‌ها شامل کمک به افراد نیازمند و سالمندان، رعایت حقوق شهروندی و رعایت عدالت اجتماعی می‌شود. در مجموع، «با توجه به بررسی‌های

شخصیت اخلاقی جهان‌دیده را به خود می‌گیرد. او به تمام معنی، یک شاعر سخندان بوده و از شعرای طراز اول ادب فارسی معاصر است. متانت و استحکام بیان، یک شخصیت قوی و مقام بلندی در ادبیات فارسی برای او تأمین کرده است» (۱۱). روحیه ظلم‌ستیزی و مخالفت با ستم و ستمگران جنبه دیگری از اشعار پروین را خلق می‌کند. حمایت او از محرومان و ابراز همدلی و همدردی او با اقشار ضعیف جامعه باعث می‌شود تا از او به عنوان یک شاعر انسان دوست، منظره جو و اخلاق‌مدار یاد شود. وجود مقولاتی چون فقر، تبعیض، اجحاف، ریا و فساد در تحلیل اشعار پروین، نمودار سبک شعری منظره در اشعار اوست. پروین در غالب اشعار خویش در جستجوی سعادت انسان است. «وی اگرچه به تنهایی اشعارش را سروده، اما از حلقوم جمع و جامعه فریاد کرده است. سیر حرکت شاعر از بیرون به درون است، یعنی سراینده نخست جانمایه سرایش آن را از جمع همدل و هم‌صدای خویش فراگرفته، در خویش حل کرده و به درون رانده، سپس دوباره با هنجار شعر بیرون افکنده و به جمع پس داده است» (۱۲).

در ذیل به مهم‌ترین دغدغه‌های اندیشه‌های اجتماعی و بشری در اشعار پروین اعتصامی اشاره می‌گردد:

۱-۱- **آزادی:** واژه «آزادی» برای هر انسان فهیم و اندیشمند واژه‌ای مقدس و ستودنی است. در تفکر اسلامی رسیدن به آزادی موجب تکامل شخصیت انسان و تقرب به مقام عبودیت و اخلاص می‌شود. آرامش روانی، وارستگی اخلاقی و نشاط معنوی از پیامدهای حس آزادی و آزادگی محسوب می‌شوند. «در دوره بیداری، آزادی از شاخص‌ترین مضمون‌های شعر فارسی است، آزادی در این دوره تقریباً به مفهوم دموکراسی غربی نزدیک می‌شود و به این معنی است که مردم علاوه بر این که از نظر فردی حقوق و آزادی‌هایی دارند، از نظر اجتماعی نیز مختارند سرنوشت سیاسی و اقتصادی سرزمین خود را معین کنند. چنین مایه‌هایی نخستین‌بار در دوران مشروطیت پدید آمد» (۱۳).

پروین اعتصامی نیز همانند سایر ادیبان متعهد و صاحبان بصیرت و اصحاب خرد، حریم‌شکنی غیر عقلانی را مترادف معنای «آزادی» ندانسته است و لجام‌گسیختگی فرد را آفت

گونگون، در خصوص مفهوم شهروندی دو معنای کلی استنباط می‌شود: نخست شهروند به معنای بشر و نوع انسان که مصادیق آن شامل تمامی انسان‌ها از هر جنس و نژاد، رنگ، کشور، دین، مذهب و... می‌باشد؛ دیگر شهروند به معنای انسان‌های ساکن و مقیم در یک کشور اعم از اتباع و بیگانگان که در سرزمین یک دولت هستند» (۹). شهروند خوب کسی است که حقوق فردی و جمعی خود را می‌شناسد، از آن‌ها دفاع می‌کند، قانون را می‌شناسد، به آن عمل می‌کند و از طریق آن مطالبه می‌کند. او می‌داند که فرد دیگری هم حضور دارد و دفاع از حقوق او، یعنی دفاع از حقوق خودش و فردی است که در امور شهر مشارکت دارد. در کنار هر زندگی فردی، یک زندگی جمعی نیز وجود دارد و برای موفقیت در این نوع زندگی، باید فردگرایی و منفعت‌طلبی تا حدودی مهار گردد و اخلاق جمعی رواج یابد.

مارشال شهروندی را دربر دارنده سه نوع حقوق می‌داند: ۱- مدنی: حفظ آزادی‌های فردی شامل آزادی شخص، آزادی بیان و اندیشه، حق مالکیت شخص، حق انعقاد قراردادهای معتبر و حق برخورداری از عدالت؛ ۲- سیاسی: حق مشارکت در اعمال قدرت سیاسی به عنوان یکی از اعضای نهاد برخوردار از اقتدار سیاسی و یا به عنوان یکی از انتخاب‌کنندگان اعضای چنین نهادی؛ ۳- اجتماعی: طیف وسیعی از حقوق که حق برخورداری کامل از میراث اجتماعی و حق زندگی به عنوان یک موجود متمم طبق معیارهای حاکم بر یک جامعه را دربر می‌گیرد (۱۰).

بحث

۱- بررسی اشعار پروین اعتصامی

پروین اعتصامی از جمله شاعرانی است که تجلی اخلاق و اندیشه‌های سیاسی - اجتماعی در اشعارش نمود چشم‌گیری دارد. وی که شاعر عصر مشروطه است با تفکر و تعمق بر مسائل اجتماعی روزگار خویش کوشش می‌نماید تا جامعه‌اش را از شهروند منفعل‌بودن بیرون آورده و با بیدارسازی وجدان‌های خفته در قالب اشعار پرمحتوا، تلنگری بر مغزهای زنگ‌زده وارد کند. «پروین در آثار خویش سیمای یک

رشد و تعالی مطلوب شخصیت فردی و اجتماعی می‌داند. از نظر پروین شایسته و بایسته است که انسان در قلمرو زندگی اجتماعی، فلسفه هدفمند و پرمعنای خلقت و ضرورت رشد و تعالی شخصیت انسان در مراحل مختلف حیات فردی و اجتماعی را درک نماید. بنابراین لازم است که تجربه عدالت اجتماعی و زندگی خردمندانه و عاقلانه و هدفمند را با درک مفهوم واقعی آزادی داشته باشد. همانطور که سفیدی و سیاهی همیشه متضاد هم محسوب شده اند و در مقابل هم قرار می‌گیرند، واژه آزادی نیز همواره در برابر اسارت و بندگی می‌باشد. دفاع از آزادی و انتقاد از اسارت از مسائلی است که پروین نیز متناسب با ادبیات زمان خویش در اشعارش همواره به آن نظر داشته است، اما به علت خفقان سیاسی حاکم بر جامعه او به صورت مناظره و از زبان پرنندگان که نماد آزادی هستند، به تبیین این مسأله پرداخته است (۱۳).

شاعر در قطعه «سرنوشت» اسارت را نکوهش و از آزادی دفاع می‌کند و از زبان جغدی که در ویرانه با آزادی زندگی می‌کند، به طوطی که در قفسی زیبا و گران‌بها همنشین بزرگان و شاهان است، چنین می‌سراید:

چه سود صحبت شاهان چو نیست آزادی
چرا دهیم گرانمایه وقت را ارزان
رنج گوشه‌نشینی و فقر تن دادن
به از پریدن بی‌گاه و داشتن غم جان
قفس نه جز قفس است از چه سیم و زر باشد
که صحن تنگ همان است و بام تنگ همان (۱۴)

پروین مرغ گرفتار را نمادی برای انسان‌های آزاده در بند بیان می‌کند و در مثنوی «صید پریشان» بعد از توصیف احوال پرنده‌ای که در قفس حوادث گرفتار مانده است، می‌گوید:

بگفت ای دوست ما را بیم جان است
کجا آسایش آزادگان است
تو سرمستی و ما صید پریشان
تو آزادی و ما در بند فرمان
اثرهای غم و شادی یکی نیست
گرفتاری و آزادی یکی نیست (۱۴)

با توجه به تعهد عقلانی و تقید اخلاقی و پایبندی دینی و منطقی پروین، لجام‌گسیختگی‌های فرهنگی، انحرافات جنسی، عربده‌ها و تهمت‌های وقیحانه، جسارت و اهانت به ارزش‌های دینی و توهین به قداست خانواده با مفهوم آزادی مترادف نیستند، بلکه پروین در اشعار خویش با بهره‌گیری از دستورات و تعلیم غنی دین مبین اسلام برای اصلاح ساختارهای اجتماعی، حقوق بشر و حقوق شهروندی عصر خویش و هدایت هم‌نوعان خود به صراط مستقیم، به بیان اندرزهای دینی، اخلاقی و اجتماعی پرداخته است. پروین جهان را جولانگاه آزادی و آزاده‌بودن را نشان از سروری می‌داند و با ستایش آزادی، مخاطبان و جامعه هدف خویش را به آزادی و آزادگی فرا می‌خواند.

۲-۱- بی‌عدالتی و فاصله طبقاتی در جامعه: عدالت

واژه مقدسی است که تمام جوامع، فرهنگ‌ها و مکاتب بشری برای آن ارزش قائل هستند. واژه عدل به معنای تقسیم به طور مساوی و قراردادن هر چیز در جای خود است. عدالت‌خواهی از بارزترین مشخصه اخلاق مبتنی بر دین و عرفان اجتماعی پروین است.

داد به هر یک، هنر و گوهری آنکه در و گوهر و اشک آفرید (۱۴)

وجود تفاوت‌های دائمی در دسترسی به فرصت‌های اجتماعی مفهوم نابرابری اجتماعی را در جامعه گسترش داده و شرایط بی‌عدالتی را فراهم می‌کند. به طور حتم و یقین، گسترش شکاف و نابرابری اجتماعی در یک جامعه تأثیرات نامطلوبی بر ارتباطات افراد آن جامعه و سرمایه‌های اجتماعی بر جای می‌گذارد و همین پیامد است که موجب دغدغه فکری و نگرانی ذهنی شاعرانی چون پروین می‌باشد. پروین با زبان شعر به تبیین و انتقاد از نابرابری‌های جامعه خویش پرداخته است. او در شعر «صاعقه ما ستم اغنیاست» نابرابری‌های اجتماعی جامعه را توصیف می‌کند. «با آنکه در اشعارش از حوادث مشخص اسم نمی‌برد و در این افشاگری به دلیل اختناق بسیار خشن حاکم، محتاط است، اما پرده از چهره ناشایستگان زمان برمی‌کشد، این شعر نفرت پروین را نسبت به زورمداران و

عشقتش را نسبت به مردم شریف و زحمت‌کش نشان می‌دهد» (۱۵). او بی‌عدالتی و نابرابری حاکم بر جامعه را چنین بیان می‌کند:

زین همه گنج و زر و ملک جهان
آنچه که ما راست همین بوریاست...
عدل چه افتاد که منسوخ شد
رحمت و انصاف چرا کیمیاست
مردمی و عدل و مساوات نیست
زان ستم و جور و تعدی رواست (۱۴)

پروین اعتصامی از زمانه‌ای سخن می‌گوید که نابرابری‌های اجتماعی بالا گرفته، عرصه بر ضعیف، تنگ و بر غنی، فراخ شده است، محرومان از حال دردمند خود ناله می‌کنند و به حال طبقات مرفه غبطه می‌خورند.

زمانه عرصه برای ضعیف تنگ گرفت
هماره بهر توانا فراخ میدانی است
همیشه خانه بی‌داد و جور آباد است
بساط ماست که ویران ز باد و بارانی است
هزار کاخ بلند ار بنا کند صیاد
بهای خار و خس آشیان ویرانی است (۱۴)

پروین در بیان زشتی ظلم و بی‌عدالتی افراد آن را با درد و رنج فقر مقایسه کرده و می‌گوید:

هزار مرتبه، فقر از توانگری خوشتر
توانگران، همه بدنام ظلم و بیدادند
نخست رسم و ره ما، درستکاری ماست
قبیله تو، در آئین دزدی استادند (۱۴)

وی در قطعه «مناظره» نابرابری اجتماعی و فاصله طبقاتی حاکم بر عصرش را با بیان مباحثه‌ای که بین دو قطره خون اتفاق می‌افتد، به تصویر می‌کشد:

یکی بگفت به آن دیگری، تو خون که ای
من اوفتاده‌ام اینجا ز دست تاجوری

بگفت: من بچکیدم ز پای خار کنی
ز رنج خار که رفتش به پا چو نیشتری...
به خنده گفت: میان من و تو فرق بسی است
تویی ز دست شهی من ز پای کارگری
برای مهرهی و اتحاد با چو منی
خوش است اشک یتیمی و خون رنجبری
تو از فراخ دل و عشرت آمدی به وجود
من از خمیده پشتی و زحمت کمری
تو را به مطبخ شه پخته شد همیشه طعام
مرا به آتش آهی و آب چشم تری
تو از فروغ می ناب سرخ‌رنگ شدی
من از نکوهش خار و سوزش جگری (۱۴)

پروین در «مناظره» بین دزد و قاضی از مفاسد اجتماعی، بی‌عدالتی و ظلم و ستم حاکمان در عصر خویش شکایت کرده و به طعنه می‌گوید:

دزدی پنهان و پیدا کار تست مال دزدی، جمله در انبار تست
تو قلم بر حکم داور میبری من ز دیوار و تو از در میبری
حد به گردن داری و حد میزنی گر یکی باید زدن، صد میزنی
میزنم گر من ره خلق، ای رفیق در ره شرعی تو قطاع الطریق
می‌برم من جامه درویش عور تو ربا و رشوه میگیری بزور (۱۴)

عدالت‌طلبی ریشه در فطرت انسان‌ها دارد و پروین نیز با الهام از این فطرت الهی در بسیاری از اشعار خود به مبارزه با ظلم و بی‌عدالتی می‌پردازد.

۳-۱- عدم توجه به حال یتیمان و حقوق آن‌ها: توجه

به احوال کودکان یتیم از مباحثی است که در دستورات پیشوایان دین اسلام به آن تأکید بسیار شده است. در آیات قرآنی برای یتیم حقوقی بیان شده است که به طور طبیعی تکالیفی را برای دیگران پدید می‌آورد، زیرا اگر حقی برای کسی ثابت شود، در مقابل آن تکلیفی نیز برای دیگران تعریف می‌شود. یتیم‌نوازی، حفظ مال یتیم، سرپرستی یتیم، اصلاح کار یتیم، اختلاط عادلانه با یتیم، اکرام و احسان یتیم، اطعام و اهتمام به خوراک و پوشاک یتیم و تعلیم و تربیت یتیم از مصادیق تکالیف و حقوقی هستند که در مورد حق یتیم در

قرآن و احادیث ائمه اطهار (ع) بیان گردیده‌اند. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَىٰ قُلْ إِصْلَاحٌ لَّهُمْ خَيْرٌ» (۲) و بدین‌وسیله مؤمنان را به اصلاح امور ایتم سفارش می‌کند. بی‌مهری نسبت به کودکان یتیم و عدم حمایت از آنان از جمله دغدغه‌های فکری پروین است. این مقوله همواره مورد نظر اوست و با خلق صحنه‌هایی رقت‌انگیز توجه هم‌نوعانش را به آن منعطف می‌کند و از ضایع شدن حقوق یتیمان انتقاد می‌کند و از زبان کودکان یتیم درد، رنج و محرومیت آنان را بازگو می‌کند.

چیزها دیده و نخواستهم
دل من هم دل‌ست، آهن نیست
روی مادر ندیده‌ام هرگز
چشم طفل یتیم روشن نیست
کودکان گریه می‌کنند و مرا
فرصتی بهر گریه کردن نیست...
جامه‌ام را به نیم جو نخرند
این چنین جامه جای ارزن نیست...
کودکی گفت: مسکن تو کجاست؟
گفتم آنجا که هیچ مسکن نیست...
درس‌هایم نخوانده مانند تمام
چه کنم در چراغ روغن نیست... (۱۴)

«عواطف بشردوستی و حمایت از حقوق یتیمان، ستم‌دیدگان و... که در شعر پروین به صورت واکنش روحی لطیف و مادرانه بروز کرده است، از درون جان او جوشیده و سرشار از صمیمیت و صداقت است» (۱۱).
یتیم‌نوازی از رحمت و لطف خداوند سرچشمه می‌گیرد و پیامدهایی چون نرم‌دلی، گرمی‌شدن، شایستگی بهشت و آرامش روانی را در پی دارد. پروین در اشعار خود با اشاره به احوال یتیمان همواره درخواست رسیدگی و توجه به یتیمان را بیان نموده است.

آن نشنیدید که یک قطره اشک صبحدم از چشم یتیمی چکید (۱۴)

اطفال را به صحبت من، از چه میل نیست
کودک مگر نبود، کسی کو پدر نداشت (۱۴)

۴-۱- توصیه به کار و تلاش: حق کار از جمله حقوق

فردی هر شهروند محسوب می‌شود. اگر کار را با تلاش برای امرار معاش آدمی مترادف بدانیم، متوجه خواهیم شد که کار با خلقت انسان عجین شده است. کار جوهر آدمی است. علاقه به کار و تلاش در فطرت انسانی جای دارد. پروین نیز به طور چشم‌گیری به مسأله تلاش و کار در اشعارش پرداخته است و با آوردن تمثیل‌هایی از کوشش سایر جانداران در طبیعت، مخاطبان خود را به تلاش و تکاپو فرامی‌خواند. او هرگونه کاهلی را نکوهش می‌کند و داشتن وجدان کاری و سعی و تلاش را، راه رسیدن به عافیت، رستگاری و آسایش بیان می‌کند.

بگشای گر که زنده دلی وقت پویه چشم
بردار گر که کارگری، بهر کار گام (۱۴)

تا گه‌ری در صدف کار بود گوهری وقت خریدار بود (۱۴)

همچنین او در مذمت بیکاری و تنبلی و ستایش کار و تلاش در اشعار خود چنین می‌سراید:

نشاید که بیکار مانیم ما چو یک قطره و ذره بیکار نیست (۱۴)

درستکارم و هرگز نمانده‌ام بیکار
شبان گرم نبرد، پاس کاروان دارم (۱۴)

از سست‌کاری این همه سختی کشی و رنج
بی‌موجبی کسی نشد، ای دوست چون تو خوار (۱۴)

با دوک خویش، پیرزنی گفت وقت کار
کاوخ! زپنبه ریشتم موی شد سپید (۱۴)

عنکبوتی دید بر در، گرم کار گوشه‌گیر از سرد و گرم روزگار
دوک همت را به کار انداخته جز ره سعی و عمل نشاخته (۱۴)

۵-۱- انتقاد از فقر و محرومیت و حمایت از انسان‌های

پرتلاش: پروین یک پدیده جداگانه در شعر عصر و تقریباً در سراسر گذشته ادبی ایران بود. نه فقط در بین تمام زنان شاعر، بلکه در آنچه در شعر، وعظ و تحقیق خوانده می‌شد، به شیوایی و استواری استادان گذشته قدرت و مهارت نشان می‌داد، مخصوصاً از این جهت نیز که به صراحت و کنایه بر بی‌سامانی اخلاقی عصر اعتراض می‌کرد؛ شعر او انعکاس صدای مظلومان و محرومان جامعه بود (۱۶). او با چنین دیدگاهی متقن و عقیده‌ای استوار به تبیین مسائل اجتماعی جامعه خویش در سروده‌هایش می‌پردازد و مخاطبان خود را به سوی کمال و سعادت سوق می‌دهد. وی در بخشی از سروده‌های خود، محکوم‌بودن طبقه زحمت‌کش به پیشه خود و رنج و محرومیت را در اشعارش به تصویر می‌کشد. شاعر از رفتار ناشایسته با طبقات محروم و پایمال شدن حقوق آنان انتقاد می‌کند و کارگران را در خور احترام و اکرام می‌داند.

برزگری پند به فرزند داد
کای پسر این پیشه، پس از من تورا ست
مدت ما جمله به محنت گذشت
نوبت خون خوردن و رنج شماست...
از غم باران و گل و برف و سیل
قامت دهقان به جوانی دو تاست...
رنجبر ار شاه بود وقت شام
باز چو شب روز شود بی‌نواست...
در عوض رنج و سزای عمل
آنچه رعیت شنود ناسزاست...
چند شود بارکش این و آن
زارع بدبخت مگر چارپاست...
گشت حق کارگران پایمال
بر صفت غله که در آسیاست... (۱۴)

پروین در بیت زیر، گلایه از فقر و تنگدستی و بی‌مهری مردم زمانه خود دارد و می‌گوید:

جز من که دستم از همه چیز جهان تهیست
هر کس که بود، برگ زمستان خود خرید (۱۴)

پروین اعتصامی در قطعه «نغمه رفوگر» مرد رفوگر را تمثیلی برای اقشار محروم جامعه عصر خویش بیان می‌کند که با وجود غایت سختی در فقر و نداری، گذران زندگی می‌کند و چنین می‌سراید:

من به هر جایی که مسکن می‌کنم
با من آنجا بخت بد هم مسکن است...
جامه‌ها کردم رفو اما به تن
جامه‌ای دارم که چون پرویز است...
این همه جان‌کندن و سوزن‌زدن
گور خود با نوک سوزن‌کندن است...
سوزنش صد نیش زد، این خیرگی
دست مزد دست لرزان من است (۱۴)

«عواطف بشردوستانه و حمایت از محرومان و ستم‌دیدگان در اشعار پروین، هم نشان‌دهنده هنر او و هم حاکی از کمال و انسانیت این بانوی هنرمند است» (۱۷). فقر و محرومیت یکی از بحران‌های تأمل‌برانگیز در هر جامعه‌ای است، این مسأله آن قدر اهمیت دارد که خداوند در قرآن کریم رسیدگی به حال محرومان را سفارش می‌کند و می‌فرماید: «وَأَتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ» (۲). فقر و تنگدستی که از دغدغه‌های اصلی پروین است، در افکار و احساسات او تأثیر عمیقی داشته و به صورت گسترده در اشعارش منعکس شده است. شاعر با خلق تصاویری از زندگی فقیرانه قشر محروم جامعه، از این معضل اجتماعی به شدت انتقاد کرده است.

دوست نگردند فقیر و غنی یار نباشند شقی و سعید (۱۴)

هرگز درون مطبخ ما هیزمی نسوخت
وین شمع، روشنایی ازین بیشتر نداشت
همسایگان ما بره و مرغ می‌خورند
کس جز من و تو، قوت ز خون جگر نداشت
بر وصله‌های پیرهنم خنده می‌کنند
دینار و درهمی، مگر پدر من نداشت (۱۴)

بزخم قلب فقیران، چه کس نهد مرهم
وگر برند خسارت، چه کس دهد تاوان (۱۴)

۶-۱- انتقاد از بی‌مه‌ری مردم زمان نسبت به همدیگر:

محبت اجتماعی و روابط انسانی و همچنین ابراز عشق و علاقه به دیگر انسان‌ها باعث ثبات روحی و آرامش روانی می‌شود. انسان علاقه دارد که مورد محبت و مهرورزی دیگران قرار گیرد. ابراز دوستی و اظهار علاقه به رفع مشکلات دیگران، باعث می‌شود تا خود فرد نیز مورد محبت و احترام دیگران باشد. افرادی که مبتلا به اضطراب اجتماعی هستند و در عین حال اعمال محبت‌آمیز انجام می‌دهند، در رسیدن به آرامش روانی بسیار موفق‌تر هستند. «پروین جامعه بشری را، کل به هم پیوسته‌ای می‌داند که در آن سعادت فردی یکسره بی‌معنی است؛ از نظر پروین انسان راستین کسی است که در اندیشه دیگران نیز باشد» (۱۱). بی‌مه‌ری مردم نسبت به هم‌نوعان خودشان از مسائلی است که پروین را سخت دل‌آزرده کرده و باعث شده که شاعر از بی‌تفاوتی اغنیا در حق مساکین در اشعار خود به شدت انتقاد کند. در سروده‌های پروین، بی‌مه‌ری شهروندان نسبت به هم‌نوعان خویش از عمده نکاتی است که او را سخت دل‌آزرده کرده و باعث شده که شاعر از بی‌تفاوتی اغنیا در حق مسکینان در نوشتار خود به شدت به انتقاد بپردازد.

ز رنج بی‌سر و سامانی منش چه غم است
همین بس است که او را سری و سامانی است...
درین قبيله خودخواه هیچ شفقت نیست
چو نیک در نگری هر چه هست عنوانی است (۱۴)

بی‌زر، کسی بکس ندهد هیزم و زغال
این آرزوست گر نگری، آن یکی امید (۱۴)

شاعر در قطعه «بی‌پدر» از زبان کودک یتیم، نمونه‌ای دیگر از نامهربانی مردم جامعه خود را چنین به تصویر می‌کشد:

پدردم مُرد ز بی‌دارویی
وندین کوی سه داروگر هست...
سوی همسایه پی نان رفتم
تا مرا دید در خانه ببست
همه دیدند که افتاده ز پای
لیک روزی نگرفتندش دست... (۱۴)

مهرورزی و محبت به دیگران نه تنها از معیارهای بزرگواری و ارزش آدمی است، بلکه خود سرچشمه بسیاری از فضایل دیگر است و زمینه را برای رسیدن انسان به ارزش‌های والای الهی مهیا می‌سازد. مصادیق مهرورزی چون مهربانی، نیکوکاری و دلسوزی در شعر پروین نمود فراوان دارد:

از تو می‌خواهم که با من خو کنی بعد از این کردار خود نیکو کنی
زان گروه رفته شماری مرا مهربان باشی، نگهداری مرا (۱۴)

جز نام نیک و زشت، نماند ز کارها
جز نیکویی مکن، که جهان نیست پایدار (۱۴)

۲- بررسی اشعار طاهره صفارزاده

صفارزاده یکی دیگر از چهره‌های شاخص و درخشان شعر در روزگار ماست. شاعری که تعهد، مفهوم‌گرایی، اندیشه محوری و دین‌باوری از مؤلفه‌های اصلی شعر اوست. وی شاعری را همچون علامه اقبال لاهوری مسند انسان‌سازی و اصلاح‌گری می‌داند و به شاعر به عنوان یک مصلح اجتماعی می‌نگرد. از همین رو در اکثر شعرهای او توجه به آموزه‌های اخلاقی و بشردوستانه مشهود است. او از جمله شاعران متعهدی است که در اشعارش اندیشه‌های جهانی و مفاهیم حقوق بشری و شهروندی به وضوح، دیده می‌شود. همچنین یکی از اولین شاعران ایرانی است که مضامین ضد امپریالیستی را در شعرهایش به طور مستقیم و شجاعانه مطرح داشته است. وی در کنار نوآوری‌ها و خلاقیت‌های دیگر، افق جدیدی را در شعر فارسی در ارتباط با انتقاد سیاسی باز کرده است. طنزهای ظریف، کنایه‌های نیشدار و استعاره‌های زیبا همگی فراخوانده شده‌اند تا خدعه ظالمان را افشا کنند. آشنایی صفارزاده با چم و خم‌های پنهان سیاست تا حدود زیادی نتیجه تحصیل و زندگی در غرب است. راهیابی او به محافل شاعران و نویسندگان آزاداندیش، پرده‌های بسیاری را از مقابل نگاه کاوشگر و کنجکاو صفارزاده پس می‌زند: «باید اعتراف کنم تا آن زمان نسبت به شبکه‌های جاسوسی بین‌المللی و غولی به نام امپریالیزم آگاهی چندانی نداشتیم. آن وقت فقط شاه را

عامل همه بدبختی‌ها می‌دانستم و راستش در آمریکا بود که در اثر مراوده و گفتگو با برخی روشنفکران متعهد خصوصاً شاعران و نویسندگان آمریکای لاتین نقش امپریالیزم را آن طور که باید، شناختم» (۱۸). از همین رو او شعر را به عنوان سلاحی برنده بر ضد استبداد و ستم به کار برد و برای استقرار عدالت و آزادی، با رژیم حاکم به نبرد برخاست. او ستایشگر عدالت، صلح مردمی و برابریست.

آوارگونه می‌افتد بیداد
بر روی حنجره حق خواهی
بر روی استخوان صدق و صبوری
در طرد این شریر
دستی باید باشد
دستی به اقتدار توکل
دستی که دور می‌شود از دستگیره‌ها
دستی که وصل می‌شود
به جاودانگی ایمان... (۱۹)

صفارزاده گاهی عملاً وارد مبارزه می‌شود و حاکمان سیاسی را با تیغ انتقاد خود نابود می‌کند، شجاعت وی در اعتراض به مسائل و مشکلات سیاسی در خور ستایش است. خصوصاً آنجا که بی‌پروا به دستگاه حاکم می‌تازد و با استفاده از واژه‌های عربی، چهره حقیقی آن‌ها را برای خوانندگان شعرش ترسیم می‌کند و از بوروکرات‌های موجود به عنوان مردم معاویه و یاران یزید یاد می‌کند:

در بین یاوران یزید
در بین چاکران شقاوت پ
در کوچه‌های شام
با عمروعاص هنر
قرار ملاقات داشتیم
تو با علی هستی یا با ما
البته با علی هستم روباه پیر البته با علی هستم
و کار در سالهای بعد
بدل شد به کارزار (۱۹)

صفارزاده همچنین گاه، علل سیاسی، نظامی و فرهنگی نفوذ بیگانه را در شعر خود یاد می‌کند و با آن به ستیز برمی‌خیزد:

ملک از جمیع جهان آبادست
آباد از نظارت طراحان
طرح نمونه آبادان
طرح شکنجه‌های همگانی
طرح شکنجه‌های نهانی
معمار خارجی
بنای داخلی... (۱۹)

صفارزاده بدون هیچ ملاحظه‌کاری و محافظه‌کاری، فراز و نشیب‌های جامعه خود را نشان می‌دهد و با تصویرهای زیبا و روشن، فریبکاری‌ها و عوام فریبی‌های مسئولان را نمایان می‌سازد و این رهاورد اندیشه‌ای نوین است که در شعر صفارزاده متبلور می‌شود و نوید شعری دگرگون‌کننده را با خود دارد:

دل‌مان تنگ شده است
برای خاکی که خوب می‌شناسیم
برای قلبی که خوب می‌شناسیم
نان
نان خودمان
تعارف
تعارف خودمان
هوا
هوای صبحگاهی خیابان‌های تنگ دپروز خودمان
خواهرم می‌نویسد کارت پستال‌های زیبا به مقصد نمی‌رسند
اما امنیت‌نامه سفارشی هم غم‌انگیزست (۱۹)

از دیگر محورهایی که در شعر صفارزاده با حقوق بشر و شهروندی پیوندی وثیق می‌یابد، می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود.

۲-۱- آزادی خواهی: دستیابی به آزادی و رهایی از قیدها

و محدودیت‌ها، یکی از پرشورترین آرمان‌های بشر به شمار می‌آید، البته منظور آزادی به معنای حقیقی آن است که

ما قله‌های غربت و تنهایی
جویندگان حشمت و آزادی
در دستان فقط
فسانه و تاریخ مانده است
از آنچه خواستیم
چراکه در مصاف عقابان بودیم
عقاب‌های نقشه جغرافی
عقاب‌های شکاری
شکار ماده و معنا
شکار سکه و آزادی (۱۹)

می‌تواند قوام بخش و رشددهنده جامعه ایده‌آل و مطلوب شده
و همچنین مانع استخفاف شهروندان و موجب هدایت آن‌ها
شود. کانت، آزادی را استقلال انسان از هر چیز به جز قانون
اخلاقی می‌داند (۲۰). آزادی‌خواهی در مشخص‌ترین تعبیر
معاصرش بر اهمیت وجدان و عدالت در سیاست تأکید می‌کند.
صفارزاده در شعر، «آزادی» را به سبزه‌ای تشبیه کرده
است که به سختی از موانع مختلف آزادی عبور کرده و رشد
می‌کند، اما در انتها از ظلم و خودکامگی ستمگران نابود شده و
از بین می‌رود:

آن سبزه

کز ضخامت سیمان گذشت
و قشر سنگی را در کوچه‌های شبانه بابل
تا منهای پرده‌بودن شکافت
آن سبزه زندگانی بود
آن سبزه زندگانی بود
و پای باطل تو
آن پای بویناک
با چکمه‌های کور
آن سبزه را شکست
آن سبزه
رویش آزادی
آن سبزه
آزادی بود (۱۹)

صفارزاده، همچنین در شعر «شهر در خواب» با تکرار کلمه
«شهر در خواب است / خواب است... خواب / ...» می‌خواهد روح
روزمرگی و بی‌تفاوتی مردم در برابر استکبارستیزی را به تصویر
بکشد و این‌گونه به مخاطب یادآوری کند که باید به دنبال
آزادی و ظلم‌ستیزی باشد.

از نظر اسلام، آزادی پدیده‌ای انسانی است که در سرشت
آدمی نهاده شده است. همیشه میان مسأله آزادی و قانون در
ساماندهی امور جامعه رابطه‌ای منطقی وجود داشته است. در
بررسی نگرش اسلام به حقوق بشر و از جمله آزادی که خود
بخشی از موضوع کلی ارتباط شخص با خود، خدا، دیگران و
اجتماع است، این حقیقت را مکشوف می‌دارد که برای رسیدن
به حق آزادی باید آن را مطالبه کرد، چنانکه شاعر در شعر زیر
بیان می‌دارد و این‌که ممکن است این مطالبه با سرکوب
مواجه شود:

شما طالب آزادی هستید
همواره گام‌های اجانب
اعتصابتان را
لگدکوب کرده است
زندان و روزه
جنگ و گریز
پیمان اعتراض
بر ضد اتحاد تعرض
این رشته طلوع و غروب
برنامه شبانه‌روزی شماست (۱۹)

کرامت و هدایت آدمی و سعادت جوامع بشری مرهون
شناخت نیازهای مهم جامعه مدنی است، از جمله این نیازها
که محل بحث همه ادیان، مذاهب و متفکران جهانی است،
موضوع مهم و حیاتی «آزادی» است. هرگاه به «آزادی» به
عنوان یک حق نگریسته شود، آنگاه این حق قابل اعطا یا سلب
است و این همان چیزی است که حکومت‌ها می‌توانند با
رعایای خود وارد گفتگو شوند و درباره آن مسامحت یا
مساهلت نشان بدهند یا سخت بگیرند و از خود مدارا نشان
ندهند.

ما شاکیان

ما زخم خوردگان

برای دستیابی به آزادی باید موانع آن را از سر راه برداشت. این موانع ممکن است درونی یا بیرونی باشند. یکی از سخت‌ترین موانع خود انسان است که او را اسیر زندان نفس می‌کند. مانع بعدی ممکن است دیگری، گروه یا حکومت استبدادی باشد. گاه ممکن است آداب و رسوم خرافی یا احکام و عقاید انحرافی، آزادی را از فرد سلب نمایند. به هر حال برای رسیدن به آزادی باید بهای آن را پرداخت. از دیدگاه صفارزاده این بهای گاهی با خون پرداخت می‌شود و همه باید به دنبال آن بروند تا بتوانند آن را کسب نمایند.

ما راه را دنبال می‌کنیم
دنبال این همه تابوت سرخ
بر شانه‌های روشن حق
ما راه را
دنبال می‌کنیم
و فتح با ما خواهد بود (۱۹)

یک موز
چند پرتقال
چند سیب پرتقال... (۱۹)

عدل، از اصول اعتقادی شیعه به شمار می‌آید. از نگاه شیعه، هستی بر پایه عدل خلق شده و در چارچوب عدل، نظم و سامان یافته است و در بستر قسط و عدل نیز به تکامل می‌رسد. روحیه حق‌طلبی و عدالت‌خواهی صفارزاده برگرفته از مذهب تشیع است. آنجا که می‌گوید:

قلوب آفتاب‌اللهیان
قلوب خالص دین خواهان
به صوت خوب علی (ع) گوش می‌دهند
که خوش‌ترین تلاوت عشق از اوست
از مولا (۱۹)

وی اوج عشق و محبت و ارادت خود را به امام علی (ع) بیان می‌دارد و بی‌پروا روحیه حق‌طلبی و عدالت‌خواهی خود را وامدار عشق و علاقه به مذهب تشیع دانسته و می‌گوید: «علاقه من به مذهب تشیع ریشه در عشق من به عدالت و بیزاریم از ظلم و مصالحه دارد» (۱۹). صفارزاده با اعتقاد کامل به قیامت و روز جزا خواهان محاکمه ظالمان شده و می‌گوید:

ما ناظران هیچ کاره
ما شاهدان عکس‌های سیاسی
منتظر فردایی هستیم
که آن همایش موعود
با مشارکت اصحاب حق
برای پرسش و پاسخ بر پا می‌شود
همایشی در انحصار معنی انصاف
دلسوزی و مروت و عدل (۱۹)

همچنین با اشاره به واقعه کربلا و رجعت حضرت مهدی (عج) جهت برقراری عدل و داد در جهان، شکایت از بی‌عدالتی زمانه کرده و می‌گوید:

۲-۲- بی‌عدالتی و فاصله طبقاتی در جامعه: عدالت

مهم‌ترین صفت هر انسان و بارزترین ویژگی حکومت‌ها به ویژه حکومت‌های دینی و مردمی است. به عقیده کلمن عضویت در جامعه سیاسی و اساساً ساختار دولت - ملت معاصر، مبارزه برای برابری شأن شهروندی را همراه با حقوق مربوطه در تمامی حوزه‌های واقعی زندگی به ارمغان آورده است. شهروندی یک موقعیت عضویت است که شامل مجموعه‌ای از حقوق، وظایف و تعهدات است و بر برابری، عدالت و استقلال دلالت دارد (۱۰).

صفارزاده زنی است با اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی که با شیوه‌های مختلف بر علیه بی‌عدالتی و استبداد داخلی و استعمارگران خارجی به طور همه‌جانبه هم به لحاظ فرهنگی و هم به لحاظ مشارکت در امور اجتماعی، مبارزه می‌کند. گاهی در اشعارش به عدم برابری و عدم تساوی در جامعه با نگاه طنز طعنه می‌زند و می‌گوید:

شکر که همه دارند به حداقل تساوی می‌رسند
یک بشقاب

ما تشنگان قسط و عدالت ما مردمان زمان
منتظر آن سقا هستیم
که چون قیام کند
سقای کربلا را
همراه قافله رجعت با خود می‌آورد
ما تشنگان قسط و عدالت
هماره منتظریم (۱۹)

او به منظور «آشنایی‌زدایی» از مسائل و آسیب‌های روزمره
زندگی و ترغیب مخاطب به مبارزه با ظلم و بی‌عدالتی و
همچنین در انتقاد از فساد دستگاه قضا می‌گوید:

در سرزمین گمشدگان
ساده‌دلان
خواهان میوه‌های عدالت بودند
لبخند هر رییس عدالتخانه
نمایش هنر غفلت است
تبعیض و رشوه و رانت
تعقیب عادلانه ندارد (۱۸)

با بیان این شعر جامعه را به عدالت‌خواهی تشویق کرده و
می‌گوید:

نبض مرا بگیر
همه‌همه‌بودن دارد
و اشتیاق عدالت را
تاریخ هم به یاد ندارد (۱۹)

صفارزاده با الهام از فطرت عدالتجویی انسان و با اشاره
تلویحی به اقتصاد ضعیف طبقات پایین و فاصله طبقاتی
موجود بین اقشار کم‌درآمد با اقشار با درآمد بالا، بیان می‌کند
که این شکاف طبقاتی ایجاد عدالت را زیر سؤال برده و مردم
را به یأس و ناامیدی از اجرای قوانین می‌کشاند:

در مزرعه
دستان پینه‌بسته
اوراد گنگ عدالت را
پرواز می‌دهند (۱۹)

۳-۲- میهن دوستی و نوع دوستی: صفارزاده برای
این‌که عرق ملی ایرانی خود را نشان دهد، می‌گوید: «...
خواسته‌اند بگویند که خانم صفارزاده پیش از آنکه یک ایرانی
باشد، یک مسلمان است. من در اثر جنگیدن در راه حق، برای
مردم و وطنم، خدا دستم را گرفت و هدایتم کرد. وقتی در
شعر سفر عاشقانه می‌گوییم: و عشق به خاک اسپریست/ که
چهره یوسف دارد/ و صبر ایوب، از سرزمین و مردم آن دفاع
کرده‌ام. منتها این‌ها همه چیز را به بازی گرفته‌اند و تلقین
می‌کنند که ما کاری به ایران نداریم و می‌خواهیم بر اساس
اسلام اینترنشنال زندگی کنیم، در صورتی که اصلاً اینطور
نیست کسی که دلش برای وطن سوخت با استعمار می‌جنگد.
دل من برای همه وطن‌ها سوخت و خدا هدایتم کرد» (۱۹).

ما ایستاده بودیم
معصوم و خواب‌زده
خواب‌آلود
در هر پگاه
روح ملول جبار
روح تکیده ترس
کنار سیمتن آز
از آستان چهل بستر برمی‌خاست
کسری چرا چهل بستر
کسری چرا چهل حاجب
برزبگران چرا
دریشت‌ها عزیز
در ایوان خوار (۱۹)

در این شعر علاوه بر حس میهن‌دوستی، حس نوع‌دوستی
و «دغدغه شهروند جهانی» کاملاً مشهود است. حس انسان
دوستی او هیچ حد و مرز جغرافیایی، قومیت و نژادی را
نمی‌پذیرد، آنجا که می‌گوید:

جغرافیای جور و ستم
اعلام کرده
فغان و ناله و افغان هم
وطن دارند
در سرزمین فغان و افغان

در افغانستان

دانشوری

انسان بی‌گناه

دانشمندی

کشتار می‌شود (۱۹)

که کیف به دست

شبانه روز

۴-۲- علم و دانش: یکی از موضوعات مهم و مورد توجه،

استفاده از علم و دانش برای ایجاد بستر عدل و صلح است. نیروی انسانی با دانش و مهارت، ریشه درخت توسعه و پیشرفت است. سرمایه و منابع طبیعی عوامل تولید هستند، در حالی که انسان‌ها عوامل فعالی هستند که سرمایه‌ها را متراکم می‌سازند، از منابع طبیعی بهره‌برداری می‌کنند، سازمان‌های اجتماعی - اقتصادی و سیاسی را می‌سازند و توسعه ملی را جلو می‌برند. بدیهی است کشوری که نتواند مهارت‌ها و دانش مردمش را توسعه دهد و از آن در اقتصاد ملی به نحو مؤثری بهره‌برداری کند، قادر نیست هیچ چیز دیگری را توسعه بخشد. امروزه دانش، عامل حیاتی و مزیت رقابتی در موفقیت سازمان‌ها، به جای سرمایه‌های مادی و فیزیکی به شمار می‌رود و از دانش به عنوان سرمایه فکری یاد می‌شود که مانند هر سرمایه و منابع دیگر، نیازمند مدیریت است.

دنبال پول برای پول

دوان است

او هم کورانه

و دستیارانه

دیوارهای مرز سیاسی را می‌سازد

انبار اسلحه را پر می‌کند (۱۹)

دانش

همچون تباهی

همچون ظلم

به اوج خویش رسیده

دانش

همچون شرف

همچون عقیده

همچون فنون رایج مزدوری

در معرض خرید و فروش است (۱۹)

اهل معاد هم

اهل رفاه و معاش است

سپاس نعمت‌ها را باید داشت

سپاس نعمت‌ها را انسان می‌دارد

پس قدر برق را می‌داند

و قدر فریزر را

و قدر سرعت طیاره

اما در زیر آسیاب بی‌مروت بمب

زبان و مغز آرد شده

چگونه شکر بگوید

و زانوان قطع شده

چگونه پیش پای مخترع موشک

به احترام به پا خیزد (۱۹)

در متون اسلامی ضمن بیان اهمیت علم و دانش، آداب و ویژگی‌هایی برای علم‌اندوزی بیان شده است، از جمله تأکید بر همراهی علم با عمل و فضائل اخلاقی، زیرا این علم دشمن بشریت است و می‌تواند به اسلحه‌ای در دست قدرتمندان تبدیل شود. چنانکه صفارزاده می‌گوید:

یا

علم باید همراه با خودشناسی و ایمان باشد، زیرا خودشناسی موجب می‌شود متعلم علم را با انگیزه درست فرا بگیرد و سپس همراهی آن با ایمان باعث می‌شود آن را در جهت درست به کار ببندد. از سویی علمی که با خودشناسی و ایمان همراه نباشد بسیار مخرب است. از همین روی در روایت‌ها و متون ادبی تأکید شده است که علم توأم با ایمان و خودشناسی موجب ارتقای جایگاه انسان و سعادت او می‌شود. صفارزاده علمی که توأم با خودشناسی و ایمان نباشد را تقبیح کرده و موجب نابودی انسان می‌داند و می‌گوید:

| | |
|---------------------------|--------------------------|
| سال گذشته | در معرفت |
| هجوم دلزدگی بود | تلاوت و بیداری |
| سال رواج عکس و پوستر رنگی | و دفع تخدیر است |
| سال تجارت بیداد | افیون عالمان ماده‌گرا |
| گرانفروشان | در نضج دانش مرگ‌آور |
| فربه و فربه‌تر شدند | در کشف عالم اشیا |
| در ذهنشان مدام قیمت کالا | در کسب قدرت و مال |
| بالا می‌رفت... (۲۱) | و در تجسم بزرگی دنیاست |
| | علم جداشده از ایمان |
| | در سازمان فاسد سوداگران |
| | طراح آلت قتاله‌هاست (۱۹) |

و گاهی از سیاستمداران و بی‌کفایتی آنان سخن می‌گوید:

این مردمان سست عناصر
فسیل‌های سنا
شورا
در این عمارت محکم چه می‌کنند
وجدان مردمی اینان در خواب رفته است
و خانه‌های گلی
در باد می‌رود
در باران
در سیل
در زلزله
یک روز
حکم فلان مستر
مجلس را بست
امروز حکم مستر دیگر وا می‌کند
همیشه این مسترها
زمام دارالشوری را دارند (۲۱)

۵-۲- آسیب‌های اجتماعی و مفاصد اخلاقی: آسیب

اجتماعی هر گونه رفتار فردی یا جمعی را شامل می‌شود که در چارچوب اصول اخلاقی و قواعد عمل جمعی رسمی و غیر رسمی جامعه محل فعالیت کنشگران واقع نمی‌شود و در نتیجه با منع قانونی یا قبح اخلاقی و اجتماعی رو به رو می‌گردد. این رفتار مانع بهره‌مندی شهروندان از حقوق قانونی و شرعی خود می‌شود. به همین دلیل است که خاطیان سعی می‌کنند ناهنجاری خود را از دید ناظران قانون، اخلاق عمومی و نظم اجتماعی پنهان کنند، زیرا در غیر این صورت با پیگرد قانونی، تکفیر اخلاقی و طرد یا سایر واکنش‌های منفی اجتماعی مواجه می‌شوند. صفارزاده گاهی روی سخن را به مخاطب کرده و از مفاصد اخلاقی و اجتماعی چنین یاد می‌کند:

در جایی دیگر از فساد مردان دولت و غارتگری کشور
این‌گونه شکوه می‌کند:

... و دود پرسش آه تو
دنبال کشتی غارت
از بندری به بندر دیگر می‌شد
سرگردان... (۲۲)

حرص و طمع
خودخواهی و ستم
مقام «تجاوز» را تأیید می‌کند
و این عناصر تخریب
بیش از همه
ورود هیأت معنا را
به زندگی انسان ممنوع کرده‌اند (۲۱)

درخت را بردند
باغ را بردند
گوش را بردند

گاهی از فساد اجتماعی، ستمگری و گرانفروشی شکوه
می‌کند و می‌گوید:

گوشواره را بردند

اما جد جد مرا

عشق را نبردند (۱۹)

اندیشمندان همیشه سعی نموده‌اند تا طریقی برای رسیدن به صلح را به دولتمردان ارائه دهند.»

صفارزاده در اشعار خود «صلح منفی» را با توصیف مجروحان جنگی معنا کرده و در مورد صلح می‌گوید:

معنای صلح چیست

در سرزمین من

در سرزمین تو...

معلول‌های جنگ

که دنبال گمشده‌شان می‌گردند

پاهای گمشده

دستان گمشده

چشمان گمشده

معنای صلح را

بهتر می‌دانند (۱۹)

«پارتی‌بازی» و «واسطه‌گری» یکی از آسیب‌های اجتماعی

است که در جامعه بیداد می‌کند و این موضوع با کنایه در

اشعار صفارزاده از جمله چنین بیان می‌گردد:

دوست من رییس شده‌ست

دوست دوست من رییس شده‌ست

دوست دوست دوست من رییس شده است (۱۹)

در شعر دیگر می‌گوید:

در نزدیکی یک مترو به عابری تنه زدم

او گفت ببخشید

در لحظه توقف حرفی باید زد پرسیدم

آقا در شهر شما برای رسیدن آیا

باید کسی را دید

باید با کسی ساخت

باید کسی را از پا انداخت (۱۹)

بر اساس جهان‌بینی لیبرال‌ها سرشت و ذات بشر اساساً خوب یا نوع دوستانه است؛ «صلحی که اندرون بشر می‌جوید/ در مأمّن شناخت «او» ست» (۱۹). بنابراین انسان‌ها قادر به کمک متقابل و همکاری هستند. در این خصوص صفارزاده به سرشت انسان اشاره می‌کند که برگرفته از خاک پاک است. او خود را منتسب به خاک دانسته و پاک سیرت معرفی کرده و دشمنی و پلیدی را که برگرفته از آتش است به دشمن نسبت می‌دهد.

من از گل آمده‌ام

و دشمن از آتش

در خاک نور هدایت هست

در آتش التهاب فساد و فتنه

من خاک بودم

بیراهه رفته بودم

در باد... (۲۲)

آدمی اگر بر مبنای فطرت خوب و نوع دوست خود عمل کند، رفتاری همکاری جویانه و صلح‌آمیز خواهد داشت.

در مجموع، در اشعار صفارزاده ذکر مصادیق آسیب‌های اجتماعی و ترغیب به مبارزه با ظلم و ظالم و اصلاح وضعیت جامعه و مضامینی از این دست، فراوان است.

۶-۲- طلب صلح و دوستی: در حیات اجتماعی انسان،

گونه‌های مختلفی از رفتارها و کنش‌ها بروز می‌یابد. در واقع رفتار گروهی، مبتنی بر کنش متقابل اجتماعی و عملی است که تحت تأثیر و یا در پاسخ به عمل دیگری انجام می‌گیرد. از این رو می‌تواند چندین نوع باشد که برخی از آن‌ها عبارتند از: همکاری، همانندگردی، سبقت‌جویی، رقابت و جنگ. «صلح در مفهوم کلاسیک خود به نبود «جنگ» تعبیر شده است که امروزه به آن «صلح منفی» گفته می‌شود. در هنگام تصویب منشور ملل متحد نیز، دیدگاه غالب در مورد مفهوم «صلح» فقدان جنگ بود. در ادبیات نیز از دوران کلاسیک تاکنون همواره صلح مورد تقدیر و چه بسا تقدیس بوده است و علما و

| | |
|------------------------------------|---------------------------|
| تو ای قبیله خاکستر | در هیات کشتارگران |
| تمام عمر در آتش بودی | ظاهر می‌شوند... |
| در شرچی | چون سازمان ملل |
| در دود | این پایگاه سرپرستی قانون |
| از هرم وحشی تابستان در پاییز | قرار بود توسط قانون‌شکنان |
| و هرم وحشی دوزخ در تابستان... (۲۲) | نادیده گرفته شود... (۱۹) |

نتیجه‌گیری

آنچه امروزه با عنوان «حقوق بشر» و «حق شهروندی» در اندیشه متفکرین ادبی، سیاسی و اجتماعی صورت‌بندی شده است، مقوله جدیدی است. شهروندی برآیند ارتباط فرد و دولت است و محتوای آن بر حسب کیفیت و چگونگی این ارتباط تعیین می‌شود. در واقع شهروند قهرمان اصلی جامعه مدنی محسوب می‌شود که در اندیشه مدرن، دارای سه نوع حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی است که هر یک دارای مؤلفه‌های متعدد می‌باشد. در این پژوهش بعضی از مؤلفه‌ها از دیدگاه دو شاعر مورد بررسی قرار گرفته است. پروین اعتصامی در خصوص شاخص‌های آزادی، بی‌عدالتی و فاصله طبقاتی نفرت خود را به دلیل خفقان موجود در جامعه با کنایه بیان نموده و مخاطبان را به آزادی‌خواهی و مبارزه با ستمگر فراخوانده است، اما در مورد شاخص‌های عدم توجه به حال یتیمان، توصیه به کار و تلاش، انتقاد از فقر و محرومیت و انتقاد از بی‌مهری مردم نسبت به یکدیگر با صراحت صحنه‌های رقت‌انگیز آن‌ها را خلق کرده و مسائل اجتماعی را تبیین نموده است. طاهره صفارزاده نیز مؤلفه‌های آزادی خواهی، بی‌عدالتی و فاصله طبقاتی را به طور مستقیم بیان نموده و تأکید کرده است که برای رسیدن به سعادت بشری باید از موانع مختلف عبور کرد و مخاطب را به ظلم‌ستیزی و مبارزه با بی‌عدالتی ترغیب کرده است. وی در مورد شاخص‌های میهن‌دوستی، علم و دانش و آسیب‌های اجتماعی و اخلاقی نیز تأکید ویژه‌ای داشته است و در شعر خود به بیان ابعاد آن اهتمام نموده است. همچنین در خصوص شاخص طلب صلح و دوستی، صفارزاده، در اشعار خود به «صلح منفی» اعتقاد دارد. در مجموع می‌توان اذعان داشت، آنچه که موجب محبوبیت این دو شاعر شده است، سازگار بودن اشعار آن‌ها با مسائل و

صفارزاده در شعری دیگر، با زیر هم نوشتن، از سر سطر آغاز نکردن و تکرار واژه «فشار» عمق فاجعه جنگ، ویرانی، نابودی و خردشدن انسان را نشان می‌دهد:

من شاهدم
 من شاهدم که مردم ما
 تاب فشار قبر ندارند
 فشار قرض
 فشار قسط
 فشار دلتنگی
 فشار چکمه دژخیمان
 در این جهان
 پیوسته استخوانشان را کوبیده است (۲۳)

برای استقرار صلح و همکاری بین‌المللی باید نهادها و سازمان‌های بین‌المللی که سرپرستی اجرای قانون را بر عهده دارند، بر اساس فطرت صلح‌طلبی خود رفتار و عمل نمایند، در غیر این صورت قانونگذار و مجری هر دو تبدیل به دشمنی جدی برای صلح بشریت خواهند شد. صفارزاده تلاش می‌کند تا مفهوم صلح ملی را تا حد صلح جهانی گسترش داده و برقراری و حفظ صلح در روابط بین‌الملل که از سطح ملی شروع شده و به سطح «شهروند جهانی» خاتمه می‌یابد را با مفهوم دموکراسی در هم آمیزد.

حاشیه‌پردازی در گفتار
 با کاربرد لفظ دموکراسی
 به مقصد دموکراسی
 مقام اصطلاحی خود را اعلام کرده است
 ما
 در عصر استحاله اصطلاحات زندگی می‌کنیم
 وعده‌دهندگان بخشش و آزادی

دغدغه‌های اجتماعی شهروندان و بیان مضامین انتقادی ملت خویش و سایر ملت‌ها است. نکته مهم در آثار این دو شاعر اجتماعی آن است که هیچ‌گاه دچار روزمرگی نشده و همیشه درصدد «آشنایی‌زدایی» از مسائل اجتماعی دوران خود بوده‌اند.

References

1. Noori H, Mosayebnya S. Citizenship education, human rights and social responsibility in the education system. Tehran: Parse Publications; 2017. p.13.
2. The Holly Quran. Hojarat: 13; Bagharah: 20; Alasra: 26.
3. Motahari M. Women's legal system in Islam. 59th ed. Tehran: Sadra Publications; 2011. p.181.
4. Mehrparvar H. International Human Rights System. 6th ed. Tehran: Etelaat Publications; 2015. p.57.
5. Koosha J, Ansari B. Human rights education. 2nd ed. Tehran: Majd Publications; 2012. p.93.
6. Izadi S, Aghamohamadi A. Citizenship education, human rights and social responsibility in the education system. Tehran: Markazi Publications; 2009. p.211.
7. Rezaeepoor A. Citizenship rights. Tehran: Arian Publications; 2011. p.9.
8. Pazhoohandeh L. Literature Moon. Tehran: Chatredanesh Publications; 2016. p.172.
9. Shariatpanahi G. History of Constitutional Law Thought. Tehran: Mizan Publications; 2003. p.52.
10. Azimiyedolatabadi A. Axes and Examples of Citizenship Rights from Imam Khomeini's Perspective. *Quarterly Research Journal of the Islamic Revolution* 2014; 13(4): 1-19.
11. Ghadamyari M. Parvin's Miracle: The Life, Critique and Selection of Parvin Etesami's Poems. 2nd ed. Tehran: Sokhan Publications; 2009. p.76.
12. Moosavigarmadoodi A. To Parvin Etesami's poetry selection. Tehran: Negah Publications; 2009. p.12.
13. Yahaghi M. The stream of moments. Tehran: Jami Publications; 2008. p.16.
14. Etesami P. Parvin Etesami's collection of poems. Tehran: Negah Publications; 2008. p.16, 65, 67, 82, 136, 156, 158, 166, 176, 185, 202, 252, 263, 274, 290, 324, 391.
15. Vazirinasab F. Preparation and compilation of Parvin Etesami's Divan. Tehran: Negah Publications; 1995. p.16.
16. Zarinkoob A. from Iran's literary past. Tehran: Sokhan Publications; 2004. p.538.
17. Borhani M. Monotheistic worldview in Parvin Etesami's poetry. Tehran: Naslenoandish Publications; 2006. p.26.
18. Rafiee M. Awakening in science and art: Recognition letter of Tahereh Saffarzadeh. Tehran: Honarebidari Publications; 2007. p.71.
19. Safarzadeh T. The fifth trip. Tehran: Amirkabir Publications; 2012. p.14-16, 22, 44, 79, 148-149.
20. Cranston M. A new analysis of freedom. Translated by Jalalaldin A. 3rd ed. Tehran: Amirkabir Publications; 1991. p.127.
21. Safarzadeh T. Allegiance to awakening. 3rd ed. Shiraz: Navid Publications; 1986. p.22-23, 27, 32, 36-37, 40-41, 43, 47-84, 85.
22. Safarzadeh T. Curved men. Shiraz: Navid Publications; 1987. p.7, 13-14, 16, 33, 72, 118, 130, 149.
23. Safavi K. From linguistics to literature. 3rd ed. Tehran: Sooremehr Publications; 2011. p.51.